

إضاءة من الابتلاء الواقع في الطريق إلى الله روشنگری از آزمون واقع شده در راه به سوی خداوند

في مسيرة يوسف ع إلى الله، في مسيرة التكامل الإنساني التي خاضها يوسف ع على هذه الأرض، كان للابتلاء مساحة واسعة، بل إن الله سبحانه وتعالى جعل في شدة الابتلاء التمكين، فبعد أن أصبح يوسف ع عبداً مملوكاً في مصر، وفي بيت عزيز مصر بالخصوص ﴿وَقَالَ الَّذِي اشْتَرَاهُ مِنْ مِصْرَ لِامْرَأَتِهِ أَكْرِمِي مَثْوَاهُ عَسَىٰ أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا...﴾، نجده تعالى يقول: ﴿وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ﴾ (يوسف: ٢١)، فسيأتي التمكين من هذا القيد قيد العبودية، فالشيطان (لعنه الله) يمكر ويكيد بيوسف ع، ولكن ﴿... مَكْرٌ أَوْلَيْكَ هُوَ يَبُورُ﴾ (يوسف: ٢١)، والله سبحانه يبدل السيئات بالحسنات، وذل العبودية بعز الملك ﴿وَمَكْرُوا مَكْرًا وَمَكْرْنَا مَكْرًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ﴾ (النمل: ٥٠)، فكلما مكر الشيطان بيوسف وخطط لإيذاء يوسف ع، مرة بإخوته ومرة بالجذب ومرة بالعبودية ومرة بامرأة العزيز ومرة بالسجن تنقلب هذه الأمور إلى مسيرة يوسف ع إلى ملك مصر، فكل خطط الشيطان ومكره أصبحت أحداثاً توالى وهي تدفع وتقرّب يوسف مرة بعد أخرى من ملك مصر، فمع أن الشيطان (لعنه الله) أراد إيذاء يوسف ع والإضرار به باعتباره عدوه، ولكن مكر الشيطان انقلب إلى خطة محكمة لتمكين يوسف ع من ملك مصر ﴿وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ وَلِنُعَلِّمَهُ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَىٰ أَمْرِهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (يوسف: ٢١).

در مسیر یوسف ع به سوی خداوند، در مسیر تکامل انسانی که یوسف ع در این زمین به آن وارد شد، آوردگامی وسیع برای ابتلا و آزمایش وجود دارد و حتی خداوند سبحان و متعال، در سخت‌ترین آزمایش‌ها، تمکن دادن و قادر و توانا ساختن را اراده فرموده است. پس از اینکه یوسف ع در مصر به بندگی و غلامی کشیده شد، مخصوصاً در خانه‌ی «(و کسی از مردم مصر که او را

خریده بود به زنش گفت: تا در اینجا است گرامیش بدار، شاید به ما سودی برساند، یا او را به فرزندی بپذیریم....» می‌بینیم خداوند متعال می‌فرماید: «(و اینچنین یوسف را در زمین تمکین دادیم....)»؛ تمکین از این قید خواهد آمد، قید بندگی. شیطان که لعنت خدا بر او باد، برای یوسف ع مکر و حيله می‌کند، ولی «(.... و مکرشان نیز از میان برود)». خداوند سبحان بدی‌ها را تبدیل به خوبی‌ها می‌کند؛ ذلت بندگی را به پادشاهی «(آنها حيله‌ای اندیشیده‌اند، ما نیز حيله‌ای اندیشیده‌ایم در حالی که آنان خود، نمی‌فهمند)». هر بار که شیطان مکر و حيله‌ای برای یوسف سوار می‌کند و نقشه‌ای برای آزار و اذیت یوسف ع می‌کشد یک بار با استفاده از برادرانش، بار دیگر با چاه، بار دیگر با بندگی، بار دیگر با همسر عزیز مصر و بار دیگر با زندان- جملگی این موارد تبدیل به مسیر یوسف ع به سمت فرمان‌روایی مصر می‌شود؛ همه‌ی نقشه‌های شیطان و مکر و حيله‌هایش، حوادثی پی‌درپی می‌شود که یوسف را به جلو می‌راند و گام به گام به سمت فرمان‌روایی مصر پیش می‌برد. با اینکه شیطان (لعنت الله) از آنجا که دشمن یوسف است، می‌خواهد او ع را آزار دهد و به او آسیب برساند، ولی فریب و مکر شیطان به نقشه‌ای محکم و استوار برای تمکین دادن یوسف ع به فرمان‌روایی مصر تبدیل می‌شود. «(اینچنین یوسف را در زمین تمکین دادیم تا به او تعبیر خواب آموزیم و خدا بر کار خویش غالب است، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند)».

وَأَرْجُو أَنْ لَا تَفُوتَنِي وَتَفُوتَكُمْ الْفُرْصَةُ مِنْ أَنْ نَسْتُضِيءَ بِنُورِ هَذِهِ الْآيَةِ
 ﴿وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَىٰ أَمْرِهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾، وَأَرْجُو مِنْ الْآنَ أَنْ
 نَتَّخِذَ الْقَرَارَ الصَّحِيحَ، إِمَّا أَنْ نَكُونَ مِنَ الْغَافِلِينَ الْجَاهِلِينَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ،
 أَوْ أَنْ نَصْبِحَ مِنَ الذَّاكِرِينَ الْمَتَذَكِّرِينَ الَّذِينَ يُعْلَمُهُمُ اللَّهُ.

امیداروم فرصت بهره‌بردن و نورانی شدن از این آیه از کف من و شما نرود «(و خدا بر کار خویش غالب است، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند)» و امیدوارم که از همین لحظه، جایگاه درست را انتخاب کنیم؛ یا جزو غافلین و نادان‌هایی باشیم که نمی‌دانند، یا جزو به‌یاد آوردندگانی که خداوند تعلیمشان می‌دهد، باشیم.